



## نگاهی به تحقیر عقل در افکار ابن تیمیه

غلامحسین ابراهیمی دینانی در فصول ابتدایی از کتاب «ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام» به بررسی و نقد افکار ابن تیمیه پرداخته است. گروه دین و اندیشه خبرگزاری مهر نگاه گذرایی به ویژگی‌های تحقیر عقل در افکار ابن تیمیه به قلم این استاد فلسفه دانشگاه تهران دارد.

غلامحسین ابراهیمی دینانی در فصول ابتدایی از کتاب «ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام» به بررسی و نقد افکار ابن تیمیه پرداخته است. گروه دین و اندیشه خبرگزاری مهر نگاه گذرایی به ویژگی‌های تحقیر عقل در افکار ابن تیمیه به قلم این استاد فلسفه دانشگاه تهران دارد.

به گزارش خبرنگار مهر، یکی از مهم‌ترین منتقدان عقل گرایی در جهان اسلام احمد بن عبد الحليم حرانی معروف به ابن تیمیه است که همزمان با حمله مغول در شام می‌زیست. ابن تیمیه در مخالفت با فلسفه و فرقه گرایی به طرف جمود کشیده شده و امروز بسیاری از کارشناسان، آبخورهای «سلفی گرایی» را در افکار او جستجو می‌کنند.

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی در فصول ابتدایی از کتاب «ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام» به بررسی و نقد افکار ابن تیمیه پرداخته است.

دینانی ابن تیمیه را متفکری پرکار و پر جوش و خروش توصیف کرده و در عین حال درباره او می‌نویسد: در تاریخ فرهنگ اسلامی یکی از بزرگ‌ترین جزم گرایانی است که در قشریت و جمود بر ظواهر، گوی سبقت از دیگران ربوده است. ولی آنچه موجب شگفتی می‌شود این است که او در عین قشریت و جامد بودن، بیش از هر فقیه و متکلم دیگری در باب عقل و منطق سخن گفته است.

به نظر این استاد فلسفه اسلامی: ابن تیمیه نه تنها منکر عقل نیست بلکه به اهمیت و نقش اساسی آن در باب معرفت دینی اذعان و اعتراف می‌کند. با این همه از یک نکته نباید غفلت کرد و آن این است که وقتی این اندیشمند پرکار در باب عقل سخن می‌گوید، به معنی مخصوصی اشاره می‌کند که با آنچه دیگران از عنوان عقل می‌فهمند متفاوت است.

### ابن تیمیه به دنبال تقدم شرع است

به نظر دینانی، ابن تیمیه به دنبال این بوده که از نفوذ عقل و دخالت فلسفه در دین برای همیشه جلوگیری کند. او برای رسیدن به این مقصود ایمان جازم به پیامبر را به صورت یک اصل در می‌آورد. هیچ گاه انسان به ایمان واقعی دست نمی‌یابد مگر اینکه نسبت به پیغمبر اسلام ایمان جازم داشته باشد ایمان جازم نیز چیزی است که در آن به هیچ وجه، قید و شرط متصور نباشد.

وی در توضیح ایمان جازم می‌نویسد: یعنی اگر کسی سخن پیغمبر را تنها در صورت بپذیرد که برخلاف عقل صریح نباشد؛ چنین شخصی مومن نخواهد بود. به عبارت دیگر می‌توان گفت که ایمان جازم تنها در صورتی تحقق می‌پذیرد که انسان سخن پیغمبر را حتی اگر مخالف عقل صریح باشد بپذیرد.

لازمه سخن ابن تیمیه در اینجا این است که هرگاه عقل با شرع تعارض پیدا کند، مقدم داشتن شرع بر عقل واجب خواهد بود. او خود به این مساله توجه داشته و با صراحت تمام آن را مطرح کرده است.

او می‌گوید: دلیل تقدم شرع بر عقل این است که همه آنچه در شرع وارد شده، مورد تصدیق عقل قرار گرفته است ولی همه آنچه عقل آن را می‌پذیرد، مورد تصدیق شرع نیست. به عبارت دیگر می‌توان گفت که در نظر ابن تیمیه اعتبار احکام عقل مشروط به امضای شرع است ولی اعتبار احکام شرع هرگز مشروط به امضای عقل نیست.

ابن تیمیه می‌گوید: عقل که متولی و متصدی درک حقایق است، پیغمبر خدا را به عنوان تولیت در وصول به حقایق پذیرفت و سپس خود را از مقام تولیت عزل کرد زیرا عقل، آگاهی دارد که تصدیق و ایمان آوردن به آنچه پیغمبر از جانب خدا آورده لازم است و اطاعت از دستورات او نیز واجب می‌باشد.

### ابن تیمیه به تعدد عقل قائل است

ابن تیمیه با استفاده از یک مثال، عقل را یک شخص عامی تشبیه می‌کند که عامی دیگر را به وجوب پیروی از شخص پیغمبر هدایت کرده است. او سپس از مثال استفاده کرده می‌گوید: هرگاه بین عقل که دیگری را به وجوب پیروی از پیغمبر هدایت کرده و بین خود پیغمبر اختلاف پیدا شود باید قول پیغمبر را مقدم دانست.

در جای دیگر دلیل عقلی را به دو بخش تقسیم کرده است. بخش اول نوعی ادله عقلی است که به وسیله آن می‌توان به اثبات نبوت و صدق سخنان پیغمبر (ص) دست یافت. بخش دوم نوعی از ادله عقلی است که احياناً می‌تواند با ادله نقلی و ظواهر شرع در تعارض قرار گیرد.

به نظر ابن تیمیه «آن نوع دلیل عقلی که می‌تواند با دلیل نقلی و ظواهر شریعت در تعارض واقع شود غیر از آن نوع دلیل عقلی است که به وسیله آن می‌توان به اثبات نبوت و صدق گفتار پیغمبر (ص) دست یافت». «ابن تیمیه براساس هدف معین و انگیزه خاصی که داشته به تعدد عقل قائل شده و عقلی را که در تعارض با نقل قرار می‌گیرد غیر از عقلی دانسته که به وسیله آن صحت نقل را می‌توان اثبات کرد.»

ابن تیمیه معتقد است که آن نوع دلیل عقلی که می‌تواند با دلیلی نقلی و ظواهر شریعت در تعارض واقع شود غیر از آن نوع دلیل عقلی است که به وسیله آن می‌توان به اثبات نبوت و صدق گفتار پیغمبر (ص) دست یافت. به این ترتیب ادله عقلی که ظهور و کاربرد عقل به شمار می‌آید دارای دو نوع متضاد است. نوعی از عقل می‌تواند با شرع در تعارض قرار گیرد و نوعی دیگر در جهت اثبات شرع بکار گرفته می‌شود.

### حل تعارض عقل و شرع

ابن تیمیه در باب دفع تعارض و تضاد میان عقل و شرع، کوشش بسیار کرده و کتابی بزرگ تحت عنوان درء تعارض العقل و النقل به رشته تحریر درآورده است. او در این کتاب می‌کوشد هرگونه تضاد و تعارض میان عقل و شرع را از میان بردارد. تقابل این دو عقل با یکدیگر به معنی تناقض نیستند و از این جهت مشکل بزرگی پیش نمی‌آید، البته او به خوبی می‌داند که اگر این دو عقل با یکدیگر متناقض نیستند؛ دست کم تعارض میان آن‌ها را نمی‌توان انکار کرد. ولی ابن تیمیه در تعارض میان دو دلیل، مشکل بزرگی نمی‌بیند و به آسانی عقل موید نقل را بر عقل معارض با نقل، مقدم می‌شمارد. مقصودش این است که این تقابل به باب تناقض مربوط نبوده بلکه از مصادیق باب تعارض ادله محسوب می‌گردد. او به خوبی می‌داند که در باب تعارض ادله، میزان تقدم، قوی‌تر بودن یکی از دو طرف خواهد بود و در نظر ابن تیمیه، عقلی که به وسیله آن صحت و صدق نقل به اثبات می‌رسد قوی‌تر است از عقلی که با نقل در تعارض قرار می‌گیرد. به عقیده او وقتی ما توانستیم یکی از این دو عقل را که با گفتار پیغمبر در تعارض قرار می‌گیرد باطل کنیم تنها یکی از انواع عقل را باطل کرده‌ایم و بطلان یکی از انواع عقل هرگز نمی‌تواند بطلان کل عقل به شمار آید.

### سقوط مقام عقل به غریزه

ابن تیمیه این ویژگی انسان را که عقل نامیده می‌شود و کار اصلی آن نیز درک کلیات است زیر سؤال برده، ابن تیمیه عقل را عرض دانسته و آنرا تا سر حد یک غریزه پایین آورده است. او مدعی است که مسلمانان نیز از کلمه عقل همان چیزی می‌فهمند که او منظور می‌کند.

به نظر او عقل یا مصدر فعل *عَقَلَ* یَعْقِلُ محسوب می‌شود و یا غریزه‌ای است که انسان امور زندگی خود را به وسیله آن تأمین می‌کند. این سخن به معنی این است که انسان در نظر این اندیشمندان کثرت گرا تا سر حد یک حیوان انحطاط یافته و مانند وحوش و خزندگان زندگی خود را از طریق غریزه ادامه می‌دهد.

از نظر ابن تیمیه: در باب عقلی که صحت نقل را تضمین می‌کند دو احتمال می‌توان مطرح کرد: احتمال اول- اینکه بگوییم مراد از عقل، نوعی غریزه است که در همه افراد بشر وجود دارد. احتمال دوم- اینکه بگوییم مراد از عقل تعدادی از علوم و معارف است که از طریق همان غریزه بدست آورده‌ایم.

ابن تیمیه می‌گوید: اگر منظور از عقل نوعی غریزه باشد ناچار باید بپذیریم که غریزه، علم و معرفتی نیست که احیاناً بتواند با نقل در تعارض قرار گیرد. بعلاوه غریزه، مانند حیات نه تنها شرط تحقق هرگونه علم نقلی است بلکه علوم عقلی نیز به همان غریزه وابسته است. این مساله نیز مسلم است که اگر چیزی شرط تحقق چیز دیگری باشد هرگز نمی‌تواند با آن در تعارض باشد.

اما اگر مراد از عقل، تعدادی از علوم و معارف باشد که از طریق غریزه به دست می‌آید، ناچار باید بگوییم این علوم و معارف از حد احصاء بیرون است و آنچه صحت نقل را تضمین می‌کند همه این علوم و معارف نیست» و «تنها چیزی که در اثبات صدق سخن پیغمبر دخالت دارد ادله اثبات صانع و شواهد لزوم ارسال رسل است.

ممکن است گفته شود وقتی ابن تیمیه از عقل به عنوان غریزه سخن می‌گوید منظورش جز فطرت آدمی چیز دیگری نیست. در این مساله نیز تردید وجود ندارد که فطرت یکی از بهترین و روشن‌ترین راههای ادراک دین و معرفت خداوند است.

کسانی که فطرت را طریق اصلی معرفت و دین و خدانشناسی به شمار می‌آورند همواره با این پرسش روبرو خواهند بود که آیا آنچه مقتضای فطرت آدمی است معقول است یا نه؟ کسانی که به این پرسش پاسخ مثبت می‌دهند در واقع معنی فطری بودن را جز معقول بودن چیز دیگری نمی‌دانند.

### تباین بین عقول

به عقیده ابن تیمیه هر فردی از افراد انسان عقلی دارد که با عقل فرد دیگر متباین است. به همین جهت وقتی ابناء آدمی در مورد یک موضوع با هم اختلاف پیدا می‌کنند نمی‌توان یکی از آن‌ها را بر دیگری ترجیح داد زیرا در این میان یک قدر جامع و امر مضبوطی وجود ندارد که در پرتو آن بتوان صحت یکی و بطلان دیگری را اثبات کرد.

به نظر دینانی ریشه این تفکر آنجاست که ابن تیمیه منکر کلی بوده و در زمره کسانی است که می‌توان با عنوان نومیالیست از آنان نام برد.

به عقیده نومیالیست‌ها، معنی کلی و مطلق در عالم ذهن همانند لفظ کلی و مطلق است که در زبان ظاهر می‌گردد. پر واضح است که لفظ کلی و مطلق در زبان چیزی جز یک قرداد نبوده و در واقع و نفس الامر، با لفظ جزئی و مقید از یک سنخ شمرده می‌شود.

ابن تیمیه نومیالیست کثرت گرایی است که با تحقق هر گونه مطلق و طبیعی مخالفت می‌کند او مانند هر کثرت گرای دیگر، جز به تحقق افراد و کثرات معتقد نبوده و عالم هستی را مجموعه‌ای از شتات و متفرقات بیگانه با یکدیگر به شمار می‌آورد.

دینانی لازمه این دیدگاه را اشتراک لفظی وجود می‌داند و درباره نتیجه آن می‌نویسد: هر گونه سنخیت بین علت و معلول، عالی

و دانی، ملک و ملکوت و بالاخره ظاهر و باطن از میان خواهد رفت و در این نفی سنخیت، گسیختگی واقعی و نبودن مناسبت نفس الامری میان امور و ناآشنایی ژرف و عمیق در عالم هستی رخ می‌نماید.

بنابراین هرگاه دو فرد یا دو گروه در یک مساله عقلی با یکدیگر اختلاف داشته باشند، هیچ گونه داوری و ترجیح دادن نظر یک طرف بر طرف دیگر ممکن نیست؛ زیرا داوری و ترجیح بین امر معارض، بدون تحقق یک میزان و جامع مشترک صورت نمی‌پذیرد.

\*ارجاعات این گزارش مربوط به صفحات ۱۳ تا ۴۰ جلد اول از کتاب «ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام» نوشته غلامحسین ابراهیمی دینانی است که توسط انتشارات «طرح نو» منتشر شده است.